

حسن نیت در سیاست کافی است

عباس عبدی، رضا علیجانی و عماد افروغ

شهریوند امروز، ش ۶۱، ۱۰/۶/۱۳۸۷



چکیده: مقاله در مورد جایگاه و نقش نیت و قصد در سیاست و سیاست‌ورزی است. نویسندگان مقاله معتقدند که نیت و قصد در معارف و اعمال دینی خصوصاً عبادی دخالت دارد و هر چه عمل از سطح فردی به اجتماعی سوق پیدا می‌کند و جنبه اجتماعی می‌یابد، از نقش و لزوم آن کاسته می‌شود. خصوصاً در سیاست که باید در ارزیابی افعال و کنش‌های سیاسی به جای یافتن نیت افراد بهتر است به خود عمل و ارزیابی آن فارغ از نیت کنشگر پرداخت.

● **عباس عبدی:** قصد و نیت اشخاص در ارزیابی اعمال آنان چه جایگاهی دارد؟ برخی افراد برای این عنصر، جایگاه بسیار بالایی قائل هستند. «انما الاعمال بالنیات» از احادیثی است که آموزش داده می‌شود و نزد مردم مشهور است، اما واقعیت این است که نیت و قصد در فهم عمل اجتماعی جایگاه چندان برجسته‌ای ندارند و آن حدیث نیز عمدتاً ناظر به امور دینی است، حتی از منظر دینی و شریعت نیز نیت و قصد در برابر واقعیت عمل در مرتبه دوم و چندم قرار می‌گیرند. در تحقق فعل قتل، قانونگذار به درستی ارزش قصد و نیت را عملاً زایل کرده است.

با این حال چرا بر ضرورت وجود خلوص نیت تأکید می‌شود؟ خالص کردن نیت و قصد تأکیدی اخلاقی و مذهبی است که برای اصلاح فرد از درون و تقویت وجدان وی به کار

می‌رود، اما این مسأله شرط لازم و کافی برای درستی اعمال نیست، پذیرش عبادت منوط به صحت نیت است؛ اما تعیین صحت نیت در عبادت در امکان خداوند است و بندگان او راهی به این امر ندارند. اما وقتی که به خمس و سهم مراجعه کنید، اثری از نیت در رساله‌های عملیه مشاهده نمی‌کنید.

تأکید داشتن بر نیت خیر صرفاً با هدف تقویت بنیه اخلاقی و نظارت درونی افراد است، اما تأکید وقتی مفید است که نظارت‌های بیرونی مثل قانون و عرف و سنت و نظارت‌های رسانه‌ای به خوبی عمل کنند. تأکید محوری بر قصد و خلوص نیت در غیاب معیارهای عینی و قابل سنجش ممکن است حتی به تخریب روابط اجتماعی منجر شود. طبیعی است که دو فرد یا جریان‌هایی که اصالت اخلاص نیت‌های یکدیگر را نشانه روند و مبنای اصلی قضاوت آنان درباره اعمال خود و دیگران نیز خلوص نیت فاعلانش باشد، چاره‌ای جز جنگ و درگیری با یکدیگر ندارند.

بنابراین به میزانی که سطح تحلیل از رفتار عبادی و فردی به سطح رفتار اجتماعی و جمعی ارتقاء یابد، اهمیت قصد و نیت در ارزیابی رفتار کاهش می‌یابد و معیارهای عینی و کارآمدی را باید در قضاوت‌ها ملاک قرار داد. این‌که تولیدکننده یک کالا چه هدفی دارد (خدمت به مردم یا کسب سود) در ارزیابی عملکرد تولیدی او اهمیت چندانی ندارد.

کسانی که برای دفاع از اقدامات خویش می‌کوشند که انگیزه خود را پاک و خالص معرفی کنند، بدون تردید، نقصی در کارشان وجود دارد که به این حربه متوسل می‌شوند، زیرا دفاع از هر اقدامی اگر با اتکا به شواهد عینی و ملموس امکان‌پذیر باشد، هیچ آدم عاقلی به موضوعات غیر قابل سنجش مثل انگیزه و خلوص نیت متوسل نمی‌شود. زیرا نیت فقط در ذهن افراد است و هیچ کس دیگری به جز خدا راهی به درون آن ندارد. ممکن است تأکید بر انگیزه‌های معقول کسب ثروت (و نه لزوماً خدمت به دیگران) بیش از انگیزه خدمت به دیگران، موجب پیشرفت و در نهایت خدمت به دیگران شود. همچنان که انگیزه کسب قدرت شاید برای مردم مفیدتر از انگیزه خدمت به خلق باشد!! اگر انجام کار به نفع طبقات فقیر جامعه مستلزم فقیر بودن مجریان آن کارهاست، در این صورت می‌توان فقراراً از سطح خیابان جمع کرد و مسؤول اداره امور نمود! برای اصلاح امور به نفع طبقات فقیر جامعه نیازی نداریم که افراد فقیر یا کسانی که طعم فقر را چشیده‌اند مصدر امور جامعه شوند، کافی است که آزادی عمل برای طبقات مختلف اجتماعی از جمله فقرا وجود داشته باشد تا از طرق مختلف حق خود را استیفا کنند.

نگاه کاملاً سنتی به سیاست و جامعه موجب می‌شود که معیارهای روانی و انگیزشی در رأس ارزیابی رفتارها و اقدامات قرار گیرد و معیارهای عینی و علمی ارزیابی به حاشیه رانده شود. همچنان که در غیاب نظارت‌های قانونی و رسمی و اجتماعی (مثل نظارت‌های مطبوعاتی و قضایی و...) عمدتاً بر نظارت وجدان فردی تأکید می‌شود. نگاه سنتی، نه تنها دردی از جامعه امروز را درمان نمی‌کند، بلکه هر روز بیش از پیش افراد جامعه را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد و انگیزه و صداقت و اخلاق را در آنان نابود می‌کند.

● **رضا علیچانی:** انسان موجودی است بسیار پیچیده و به عبارتی یک شرکت سهامی از صفات خیر و شر است. انسان با تمامی کنش‌ها و رفتارهایش به هر میزان که از حوزه فردی به حوزه جمعی تری چون سیاست قدم بگذارد، می‌بایست با قواعد و ضوابط پیچیده تری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. در جوامعی همچون جامعه ما که تفکیک حوزه به شدت کم رنگ است و حتی در حوزه ورزش به شکل ظاهری افراد نیز حساسیت نشان داده می‌شود، در چنین وضعیتی فراتر از نهاد و قانونی که یا وجود ندارد (مانند احزاب) و یا به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود (قانون)؛ نقش افراد دو چندان می‌شود و بانوعی به کارگیری معیارهای سنتی اخلاقی در حوزه عمل جمعی (سیاست) مسأله باز هم پیچیده تر می‌شود.

ما اکنون در جامعه شاهد یک پدیده هستیم که در روانشناسی از آن با عنوان اثر هاله‌ای (Halo effect) یاد می‌کنند. بدین معنا که ما با افراد، با احساسی مثبت و یا منفی برخورد می‌کنیم. یعنی آنها را یا خوب و یا بد می‌دانیم. در صورتی که آنها را مثبت بدانیم، هاله‌ای از مصونیت در برابر آنها در نظر می‌گیریم. یا برعکس هاله‌ای از شرارت پیرامون افرادی می‌بینیم که بد می‌پنداریم. ما این خیر و شر و مثبت و منفی دیدن را در شکل ساده شده‌ای عمدتاً در نیت آن افراد می‌یابیم و نه در یک قضاوت بیرونی کامل تمام عیار و عینی. یعنی معتقدیم که آن فرد نیت مثبت و یا منفی دارد.

ملاک، نیت و انگیزه آنان است و بدین ترتیب، در جامعه شاهد محاکمه نیت‌ها و یا تجلیل از نیت‌ها هستیم.

کاروان تمدن بشری در فلسفه و سیاست، از شکل ساده و خام اولیه‌ای که به ویژگی‌های افرادی که باید حکومت کنند می‌پرداخت به چگونگی و نحوه حکومت کردن حاکمان رسیده است. در اینجا دیگر نه تنها نیت بلکه مثبت و منفی بودن شخصیت فرد نیز اهمیت ثانوی دارد و شیوه‌ها و نحوه رفتارها و سیاست‌گذاری‌ها و کنش حاکمان است که در درجه اول اهمیت

قرار می‌گیرد. اما در وضعیت کنونی جامعه ایران نیز، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا همان قدر که در ارزشیابی خودی‌ها به «نیت‌ها» توجه می‌شود، این آمادگی وجود دارد که در ارزیابی غیر خودی‌ها نیز نیت‌ها مورد توجه قرار گیرد؟

● **عماد افروغ:** همواره و همیشه سخن از نیت و انگیزه خیر در امر سیاست‌ورزی می‌رود، اما به گمان من و در یک فرض مطلوب و در یک متن تنوریک، نیت خیرخواهانه و اصلاً نیت و انگیزه به تنهایی، جایگاهی در عرصه سیاست‌ورزی نمی‌تواند داشته باشد، اما در هر صورت نمی‌توان از توجه به این مهم روی‌گردان شد که سیاست‌ورزان بسیاری، نیت خیر را مقدم بر عمل و طرح ارائه داده‌اند و البته می‌دهند. در کلیت اگر سیاست‌ورزی را به دو قسم اخلاق محور و قدرت محور تقسیم کنیم، خواه ناخواه نیت اخلاقی زمینه طرح می‌یابد. اگر قائل به این شویم که یک دسته از سیاست‌ها اخلاق محور هستند، آنگاه است که یک وجه تجلی آن اخلاق محوری را می‌توان در نیت افراد یافت. این هم البته یک مسأله طبیعی و قابل ردیابی است.

از طرف دیگر آنهایی نیز که قدرت محور هستند، بیگانه با افعال اخلاقی نیستند و نمی‌توانند باشند. اما ممکن است ناخواسته زمینه‌ساز نوعی اباحه‌گرایی شوند که این اباحه‌گرایی زمینه‌ساز رشد یک‌سری ردایل اخلاقی شود. قدرت‌محوران هم البته به هر حال پای اخلاق را به میان می‌کشند. آیا می‌شود نیت به گمان خود خیر را به عنوان تنها داشته سیاست‌ورزی ارائه داد و اعلام کرد؟ آیا می‌توان نیت افراد را مورد داوری قرار داد؟ اصولاً چه کسی می‌تواند داوری کند که فعل سیاسی من ناشی از نیت خیرخواهانه من است و یا ناشی از نیت غیر خیرخواهانه من؟ اگر نیت‌خوانی در سیاست باب شود و بیان نیت دلیل عرضه خود به مردم باشد و جوهر علمی و ساختاری سیاست‌ورزی رنگ می‌بازد و شهودگرایی و خودبزرگ‌بینی و قضاوت‌های خداگونه کردن سکه رایج می‌شود. که البته وقتی چنین اتفاقی افتاد، هر کس به یک اندازه می‌تواند مدعی شود که داوری اخلاقی می‌کند و نیت خیر دارد و عملکردش مبتنی بر اخلاق و نیت خیرخواهانه‌اش بوده است. اصولاً داوری‌های اخلاقی شمشیر دو لبه‌ای است که اگر من در مقابل یک داور اخلاقی به شما انگ نیت خیرخواهانه بزنم و این انگ با واقع امر همخوان نباشد، متناسب با ملاک‌های اخلاقی من در معرض تهمت قرار گرفته‌ام. پس این شمشیر قبل از این‌که به طرف مقابل اصابت کرده باشد، دست مرا بریده و دچار یک فعل غیر اخلاقی کرده است.

می‌توان اخلاق را تعریف کرد و برای آن شاخص‌هایی به دست داد و به وسیله آن و به شکلی عینی سیاست‌ورزی‌ها را مورد داوری قرار داد، به شرط این‌که این ملاک‌ها ذهنی و قابل انتقال به دیگری و قابل سنجش باشند. از زاویه دیگر، نیت و انگیزه افراد را باید از انگیزه آنان جدا کرد.

این بحث ترجمانی از گفته دقیق حضرت علی علیه السلام است که فرمودند: «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال؛ یعنی به آنچه گفته می‌شود نگاه کن و نه به کسی که سخن می‌گوید». این «آنچه» می‌تواند ناظر به نیت‌های غیرخیرخواهانه هم باشد. ممکن است فردی از روی نیت غیر اخلاقی حرف صحیحی هم بزند.

در جهان‌بینی دینی مائیت اخلاقی می‌تواند جایگاه داشته باشد که البته این چنین است، اما در مقام داوری نمی‌توان نیت‌خوانی کرد و به دیگران به جای حرف و برنامه، نیت ارائه داد. عرصه سیاست، عرصه حکومت کردن افکار و برنامه‌ها و عملکردها است و نه افراد. اما باید گفت که در عرصه حکومت، چه کسی حکومت کردن و چه چیز حکومت کردن با یکدیگر کاملاً مرتبط هستند. مخصوصاً در نظام‌های دینی که وجهی از مشروعیت آنها ناظر به حقانیت افراد حاکم است، بالطبع این حقانیت ناظر به همان «چه چیز» حکومت کردن است. منتها ویژگی‌های حکومت و قوانین حکومت بی‌ارتباط با شخص حاکم نیست. به عنوان مثال ما می‌گوییم که وجه حقانی مشروعیت ما را ولایت فقیه رقم می‌زند. ولایت فقیه یک شخص است، واجد یک سری ویژگی‌های خاص اما این شخص باید مجری احکام اسلام و قواعد مرتبط با احکام اسلامی باشد. بنابراین شخص حکومت نمی‌کند، بلکه دین است که حکومت می‌کند. این حکومت دینی از طریق شخصی با ویژگی‌های خاص صورت می‌گیرد. پس می‌توان تمایز ظریفی میان شخص حاکم و محتوای حکومت قائل شد و در نهایت هم به این نکته رسید که یک حقیقت حکومت می‌کند نه یک شخص با هر نیتی که می‌تواند داشته باشد.

● اشاره

محمد حسن روزبه

در ارزیابی مقالات، نکاتی به نظر می‌رسد که جای تأمل و دقت دارند و به آنها اشاره‌ای می‌شود:

۱. حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله «انما الاعمال بالنیات» تأکید بر جایگاه آگاهی در عمل انسان دارد. نیت چه خیر و چه شر یک نوع توجه و آگاهی نسبت به عمل قبل از انجام آن است. نیت خیر یعنی آگاهی به هدف و نهایت و مقصد عملی که می‌خواهد محقق شود، نیز نیت شر یعنی آگاهی نسبت به مقصد عمل. بنابراین روایت درصدد بیان رابطه عمل و مقصد آن و

آگاهی نسبت به آن است. روایت اصطلاحاً عام است و تمام اعمال انسان را در بر می‌گیرد، اعم از این‌که فردی باشد یا اجتماعی، دینی یا غیر دینی. روایت دو گونه نقل شده است: یکی به همین صورت و یکی دیگر با واژه‌های اضافه یعنی به صورت «انما الاعمال بالنیات و الخواتیم» نقل شده است. در هر دو صورت روایت اشاره دارد به این‌که یکی از عواملی که با آن می‌توان اعمال را ارزیابی کرد، قصد و نیت آنهاست.

۲. اکنون پرسشی که پیش می‌آید این است: آیا می‌توان قصد و نیت‌ها را کشف کرد؟ نویسندگان مقاله به گونه‌ای سخن می‌گفتند که از آنها پاسخ منفی را می‌توان استنباط کرد؛ زیرا نیت امری درونی است و انسان‌ها راهی به آن ندارند. ولی باید گفت گرچه نیت امری درونی است، اما مانند همه امور و احساسات درونی دیگر، می‌توان آن را کشف کرد؛ از همان راهی که احساسات درونی مثل حسد و کینه یا مهر و محبت و انسان دوستی و غیره قابل فهم و ارزیابی‌اند. هیچ کدام از ما چنین قضاوتی نداریم که چون حسد و محبت امری درونی‌اند، پس نمی‌توان آنها را کشف کرد و در روابط اجتماعی به طور کلی نسبت به دیگران نباید چنین تصور کرد و نسبت حسود یا مهرورز به آنان داد. درست است که اینها درونی‌اند، ولی وقتی در قالب عمل و گفتار ظهور می‌یابند قابل ارزیابی و کشف می‌شوند.

۳. آیا از مشاهده یک یا دو عمل از کسی می‌توان به طور قطع و یقین به احساس یا نیت او پی برد و حکم کرد که چه احساس یا قصد و نیتی دارد؟ پاسخ منفی است، به غیر از خداوند و آنانی که مؤید از جانب اویند، چنین توانی در دیگران نیست که در همه موارد و در همه حال به صورت صد در صدی قصد و نیت دیگران را به دست آورند. ما با ظواهر روبه رو هستیم و جز از این طرق راهی به باطن نداریم و ظواهر نیز همیشه به قطع و یقین نمی‌رسند. بنابراین در این‌گونه موضوعات نباید عجله کرد و سریع قضاوت نمود، بلکه باید تأمل و تحقیق بیشتری کرد و هیچ‌گاه احتیاط را از دست نداد. نه صد در صد و ناشکیبا و سریع می‌توان حکم کرد و نه به طور کلی منکر راهیابی و قضاوت در مورد درون می‌توان شد.

۴. آیا از این‌که همیشه نمی‌توان به طور قطع و یقین به احساسات و درون افراد پی برد، همانند نویسندگان مقاله به کنار گذاشتن قصد و نیت در تعاملات اجتماعی و ارزیابی سیاست‌ورزان و اعمال آنها می‌توان حکم کرد؟ در پاسخ، به چند نکته باید توجه نمود: اولاً این‌که یافتن احساسات درونی انسان‌ها دشوار است، نباید موجب پاک کردن صورت مسأله شود و به طور کلی منکر نقش ارتباط قصد و نیت در ارزیابی اعمال شد؛ ثانیاً نویسندگان مقاله که به کلی منکر چنین نقشی‌اند، از ارتباط عمل با قصد و نیت غفلت کرده‌اند. یکی از خصوصیات انسان‌ها این است که بدون قصد و نیت نمی‌توانند اراده کنند و به تبع آن عملی را انجام دهند و از جانب دیگر یکی از پایه‌های اجتماعی و زندگی اجتماعی مسئولیت اجتماعی است، همه افراد در مقابل اعمالی که انجام می‌دهند، مسؤولند. مفروض مسؤول بودن انسان‌ها در زندگی اجتماعی در قبال اعمالی که انجام می‌دهند، وجود عنصر

نیت و قصد می‌باشد که نشان‌دهنده یک توجه و آگاهی قبلی نسبت به مقصد و تبعات آن است. اگر ارتباط بین نیت و عمل را قطع کنیم، چگونه می‌توانیم مسئولیت انسان‌ها را در قبال اعمالشان اثبات کنیم؟ همان‌گونه که خود نویسندگان معترفند، در تمام مکاتب حقوقی جهان، یکی از عناصر جرم از هر نوع آن (فردی یا اجتماعی - جنایی یا سیاسی یا مالی و غیره) عنصر معنوی یعنی وجود قصد و نیت در وقوع جرم است. بنابراین ارتباط بین قصد و عمل را چه در زندگی فردی و چه در اعمال اجتماعی نمی‌توان منکر شد. ثالثاً حصر لزوم وجود قصد و نیت در اعمال دینی - عبادی مثل نماز دلیل شرعی و عقلی ندارد. قصد و نیت در اعمال دینی (عبادی یا غیر عبادی) چند نقش دارد؛ در برخی اعمال هم شرط صحت و هم شرط قبول عمل است و در برخی دیگر تنها شرط قبول است نه صحت و فرقی بین فردی یا اجتماعی بودن آنها نیست؛ مثلاً زکات که عملی اجتماعی است، باید به قصد قربت پرداخت گردد. لذا پرداخت آن بدون قصد قربت باطل است و باید اعاده شود. اما در برخی اعمال اجتماعی دیگر مثل غسل میّت و دفن آن، قصد قربت شرط صحت نیست، بلکه شرط قبولی عمل در نگاه الهی است. بنابراین تفکیک اعمال به دینی و غیر دینی و فردی و اجتماعی و انکار نقض نیت در اعمال اجتماعی ظاهراً ناشی از کم‌اطلاعی نویسندگان است.

۵. نویسندگان مدعی‌اند که در ارزیابی سیاست و سیاست‌ورزی نباید عنصر نیت و قصد خیر را دخیل کرد، به جای آن باید به عناصر عینی و ملموس و ملاک‌های مدرن توجه کرد، به جای نیت‌خوانی و انگیزه‌ها و عناصر غیر ملموس سنتی و تاریخ گذشته، باید با ملاک‌های علمی و مدرن جدید ارزیابی صورت گیرد، ولی متأسفانه هیچ کدام از این نویسندگان عناصر عینی و ملموس خویش را معرفی نکرده‌اند و خصوصیات آنها را نشان نداده‌اند و تنها به ذکر واژه مبهم عناصر عینی بسنده کرده‌اند. از طرف دیگر برخلاف نظر نویسندگان، در دنیای به اصطلاح مدرن نیز جهت ارزیابی سیاست‌ها و سیاست‌ورزان بر عنصر نیت و قصد فوق‌العاده تأکید شده، به آن اهمیت می‌دهند. تمام هنر تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری‌ها و مجالس در دنیای امروز این است که چهره مثبتی از خویش به نمایش بگذارند و نشان دهند که قصد و نیت خیر دارند. چه کسی در مبارزات انتخاباتی (که همه می‌دانند برای کسب قدرت است) صراحتاً اعلان می‌کند که فقط قصد تصاحب قدرت را دارد و می‌خواهد عطش قدرت خود را فرو بنشانند. همه نمایش‌های تبلیغاتی او برای کسب قدرت است نه برای خدمت به خلق؟ صرف میلیاردها پول و گرفتن عکس‌های تبلیغاتی با فقرا و محرومین و شرکت در برنامه‌های عمرانی و همدردی با آسیب‌دیدگان اجتماعی و شرکت در آیین‌ها و مراسم‌های مذهبی و محلی و ده‌ها عمل تبلیغاتی دیگر، آیا جز برای این است که به مخاطبان بقبولانند نیت خیر دارند؟ حملات رقبا به یکدیگر نیز آیا جز برای نشان دادن قصد شر یا اثبات عدم قصد خیر طرف

مقابل است؟ اگر نیت‌ها و قصد خیر و شر در سیاست و ارزیابی اعمال اجتماعی نقشی ندارد، پس این کارها برای چیست؟

۶. همان‌گونه که برخی نویسندگان اذعان کرده‌اند، به هیچ عنوان نمی‌توان از نقش نیت در سیاست غفلت کرد و آن را نادیده گرفت، گرچه سعی آنان این است تا در لفافه نقش آن را نادیده بگیرند. اما به بیان آقای افروغ حتی سیاست‌ورزان قدرت‌محور نیز نمی‌توانند پای اخلاق را از سیاست‌ورزی و جامعه و ارزیابی عمل سیاسی یکباره ببرند.

۷. بخش آخر سخنان آقای افروغ پاسخ مناسبی می‌تواند برای نوشته‌های آقای علیجانی باشد که تلاش داشتند بین چگونه حکومت کردن و چه کسی حکومت کند تفکیک قائل شوند و جهان مدرن را بهتر از جهان سنتی می‌دانند؛ زیرا جهان مدرن به این‌که چه کسی حکومت می‌کند کاری ندارد و به چگونه حکومت کردن اهمیت می‌دهد. در پاسخ ایشان باید گفت در منطق دینی هر دو سؤال مهم هستند و لذا این‌که چه کسی با چه نیتی حکومت می‌کند بسیار مهم است.

۸. شرع و دین جایگاه نیت را در سیاست و سیاست‌ورزی و در ارزیابی‌ها نشان داده است. نمی‌توان به جای عمل و توجه به نتیجه کار و دقت در عمل برای رسیدن به اهداف، یک مشت نیت صرف تحویل مردم داد. از طرف دیگر نمی‌توان به صرف ظاهر عمل، به ارزیابی نیت انجام‌دهندگان آن پرداخت. ورود در این عرصه و ارزیابی نیت افراد کار ظریفی است که نیازمند کارشناسی دقیق در متون دینی برای تعیین جایگاه و نقش آن و نیز شیوه ارزیابی می‌باشد و این‌که در چه مواردی ما مجاز به نیت‌خوانی و دقت در نیت افراد و حاکمان و غیره هستیم و در چه مواردی نیستیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی